

نظم بصری در شهرسازی سنتی ایران (مطالعه موردی: بازار تبریز)

کریم حسین‌زاده دلیر^۱؛ لاله آشنا^۲

چکیده

معماری و شهرسازی گذشته ایران زمین که همواره با تکیه بر خلاقیت و خصائص پایدار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، در عصر حاضر در اثر مواجهه با عوامل متعدد؛ بویژه تأثیر پذیری از مظاهر تمدن صنعتی شده غرب از حقیقت خویش فاصله گرفته و صورتی غیربومی و در برخی مواقع، تنزلی یافته است. شیوه جدید سازماندهی فضا با غفلت از اندیشه پیشینیان با سنت فکری ایرانی همخوانی نداشته و خصوصیات ملی و فرهنگی شهرسازی در کشور را دگرگون ساخته است. اصول معنوی حاکم بر شهرسازی سنتی ایران، ریشه در فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم دارد. اصل نظم به عنوان یکی از اصول معنوی، به خوبی در شهرسازی سنتی ایران کالبد یافته و می‌تواند پایه محکمی برای تداوم این فرهنگ غنی باشد. بازار به عنوان یکی از فضاهای شهری واجد ارزش‌های کیفی و هنری، به خوبی تجلیگر این اصل اساسی شهرسازی سنتی ایرانی است. در این مقاله بر اساس روش اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از منابع و متون موجود، سعی گردیده ضمن روشن‌سازی مفهوم نظم در شهرسازی سنتی ایران و بررسی آن در بازار به عنوان یکی از ارکان اصلی کالبد شهرهای سنتی ایرانی، ضرورت بازشناسی اصول و مفاهیم به کار رفته در شهرهای سنتی به ویژه در گرایش‌های نوین شهرسازی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظم بصری، سنت، معماری سنتی، شهرسازی سنتی، بازار.

۱- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.

مقدمه

شهر یک اثر هنری است که می‌تواند به صورتی اصیل بیان‌کننده یک فرهنگ، یک ملیت و یک سنت باشد. هنر معماری و شهرسازی در ایران به قدمت تاریخ است. شهرسازی سنتی ایران، شکل گرفته از فرهنگ دیرپای ایرانی است. سنت‌ها و سلیقه‌ها و آنچه برای ایرانی خواستنی و دوست داشتنی است بخش‌هایی از این فرهنگ است. شهرسازی سنتی ایران از ترکیب عوامل ذهنی و غیر ملموس با عوامل عینی ملموس، تحت تأثیر فرهنگ و جهان بینی حاکم بر اندیشه سازندگان آن، هویت و عینیت یافته و آنچه در جهت شناخت این پدیده اهمیت دارد، چگونگی شکل‌گیری آن بر اساس عوامل اثرگذار است. در شهرسازی سنتی ایران، نظم از مفاهیم کلیدی در الفبای عوامل اجتماعی - فضائی است که در صورت مطالعه می‌تواند اصولی را جهت استفاده در شهرسازی معاصر به دست دهد.

در دوره معاصر، تحولات سریع و وسیع که از قرن گذشته آغاز گشته به همراه توسعه‌های جدید و گسترده، بی‌توجه به فرهنگ غنی شهرسازی در ایران، موجب گسیخته شدن رشته‌های استوار بین برخی از مظاهر زندگی از جمله سیمای شهرها با فرهنگ جامعه شده است. بدین ترتیب با گسترش روندی که اقتباس از تمدن غربی است، مفاهیم شهرسازی سنتی پیش از آنکه فرصت و امکان انطباق با مدرنیسم و فن‌آوری جدید را بیابد مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این دگرگونی در شکل شهرها که با قواعد پیشین همخوانی ندارد، باعث از هم گسستن انسجام و از بین رفتن نظم و در نهایت، معنای پیشین شهرها شده است. با توجه به این دگرگونی‌ها با دو مسأله عمده در رابطه با سیمای شهرهای امروز ایران مواجهیم: ۱- غرب‌گرایی و گسست از گذشته، ۲- فقدان اندیشه‌های قوی و عدم درک صحیح اصول و مفاهیم شهرسازی گذشته.

با توجه به این مسائل، مقاله حاضر در دو جنبه قابل ارزیابی است:

۱- پرداختن به این نکته مهم و فراموش شده که شهرهای گذشته ایران بر اساس یک سری اصول و قواعد شکل گرفته‌اند که زمینه‌ساز ایجاد فضاهای مطلوب در ساختار

شهرهای سنتی بوده‌اند، و شناسائی آنها می‌تواند در برنامه‌ریزی شهرهای امروزی کشور مفید واقع شود.

۲- بازشناسی اصل نظم و آگاهی از عوامل مؤثر در ایجاد آن، و تأکید بر بکارگیری این اصل در شهرسازی امروز کشور با تحلیل ارزش‌های شکلی بازار به عنوان فضای شهری واجد نظم و همخوان با فرهنگ و ارزش‌های ایرانی.

اهداف

- ۱- روشن سازی مفهوم نظم در شهرسازی سنتی ایران.
- ۲- معرفی معیارهای اصلی و مفاهیم مؤثر در ایجاد نظم.
- ۳- بررسی بازار به عنوان فضای شهری واجد نظم و همخوان با فرهنگ و ارزش‌های ایرانی، با مطالعه موردی بازار تبریز.

پیشینه تحقیق

سابقه بررسی چنین موضوعی در تألیفات داخلی و خارجی به صورت کلی، و محدود به بررسی ویژگی‌های عام شهرهای سنتی ایران می‌باشد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مطالعات و تحقیقات توسلی در بافت قدیم شهرهای تاریخی از جمله شهر یزد، بررسی ویژگی‌های معماری سنتی ایرانی در آثار پیرنیا و میرمیران که همواره بر بکارگیری مبانی و الگوهای معماری ایرانی تأکید داشته‌اند، و کتاب حس وحدت اردلان و بختیار که در آن معماری ایرانی از دیدگاه سنتی مورد بررسی قرار گرفته، به همراه تعداد محدودی کتب و نوشته‌های محققان خارجی از جمله تألیفات تیتوس بورکهارت که اشاراتی کلی به ویژگی‌های عمومی معماری و شهرسازی سنتی در شرق دارد. آنچه که از بررسی مطالعات فوق برمی‌آید این است که در هیچیک از آنها به طور خاص به مفهوم نظم پرداخته نشده است. در رابطه

با بازار نیز در هیچیک از تألیفات موجود که در رابطه با بازارهای ایران و از جمله بازار تبریز نگاشته شده‌اند، از این جنبه خاص به موضوع نگریسته نشده است.

روش تحقیق در این پژوهش شامل دو نوع روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و روش میدانی است:

الف) روش کتابخانه‌ای که با بهره‌گیری از منابع و متون موجود و استنادات تاریخی در زمینه معماری و شهرسازی سنتی ایران، ضمن مروری اجمالی بر مقوله بازار و جایگاه آن در شهر سنتی ایرانی، به بازشناسی و ریشه‌یابی مفهوم نظم از دیدگاه فرهنگی و تاریخی در شهرهای گذشته ایران پرداخته است.

ب) بخش بررسی میدانی شامل مطالعه بازار تبریز و فضاهای آن از نقطه نظر نظم موجود در آنها می‌باشد.

ویژگی‌های شهرسازی سنتی ایران

در تمدن ایرانی حضور بعضی اصول تبدیل‌ناپذیر که بر کل این تمدن مسلط بوده‌اند، به روشنی پیدا است. معماری و شهرسازی ایرانی دارای اصولی است که قابلیت تداوم دارند؛ اصولی که می‌توان استخراج کرد و به دستورالعمل تبدیل گرداند (میرمیران، ۱۳۷۵: ۳۰).

مهم‌ترین مشخصه شهر سنتی ایرانی، شکل‌گیری آن در درون یک فضای فرهنگی خاص است. اصول معنوی حاکم بر شهرسازی سنتی ایران ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم دارد. «پرداختن به ریشه‌ها پرداختن به اصول است. فهم یک اصل فهم معنای آن چیزی است که به تمام هنر و تمدن جامعه انسانی با یک فرهنگ و آداب و عقیده مشترک جهت می‌بخشد» (معماریان، ۱۳۸۴: ۳۴۷). درک مفاهیم و شالوده سنتی شهرسازی ایران بدون شناخت و درک محیط اجتماعی و دیدگاه خاص فرهنگی که زمینه رشد این مفاهیم بوده است، ممکن نبوده و منوط به شناخت و درکی کلی از نظامی معنوی است که در آن به وجود آمده است؛ نظامی که در درون خود همواره این اندیشه را پرورانده که انسان با محیط و همه اجزای زندگی در تناسب و هماهنگی ذاتی به سر می‌برد. شهرسازی سنتی دارای نظامی هماهنگ و نظم و وحدانیتی است غیر قابل اجتناب و با توجه به

آنکه انسان و کیهان خود، محصول هنر قدسی و وابسته به صفات الهی هستند، در واقع نوعی نظم و وحدانیت را به نمایش می‌گذارند که رو به سوی معبود دارد و همچون کیهان، اصل الهی را باز می‌تاباند. «حقیقت معماری و شهرسازی ایران را می‌توان در ایجاد متعالی‌ترین رابطه ممکن با انسان و طبیعت، جامعه و ماورالطبیعه به دلیل خلق یک اثر مادی دانست» (گلیجانی، ۱۳۸۴: ۴۱).

نظم^۱

برخی از مفاهیم، مانند نظم و وحدت، به علت مفهوم گسترده‌ای که دارند، از دیرباز در فلسفه و عرفان و هنر مورد بحث بوده‌اند. دیدگاه‌هایی که بر جنبه‌های نامتناهی انسان در جهان استوارند، بر آنند که این معانی در بر گیرنده نکاتی هستند که بیان آنها با مفاهیم فلسفی و عرفانی آمیخته است.

نظم‌دهی به محیط همواره از معمول‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین فعالیت‌های بشر بوده است. در هر عصری از تاریخ، انسان در جستجوی تعادل در مواجهه با طبیعت و شهر، از طریق سازماندهی درونی و بیرونی سعی نموده به نظم بالقوه و فطری خود دست یابد. انسان جامعه سنتی اقدام به ساخت بنایی می‌کند که دارای همان نظم و قوانین طبیعی است. در چنین جامعه‌ای، شهر بخشی از نظام آفرینش و طبیعت قلمداد می‌شود که همانند آن واجد خصوصیات رشد اجزاء با حفظ وحدت کل است.

نظم به معنی وسیع کلمه گویای وضع یا کیفیتی است که دارای نظام و ترتیب باشد، حالتی به دور از آشفتگی و بهم ریختگی. «آن ویژگی‌های مشترکی که مبین احساس کلی وحدت، نظم و هماهنگی هستند، عناصر اصلی یک طرح سازگار و متناسب را به وجود می‌آورند». در تاریخ طراحی شهری تفاوت‌هایی در تعریف نظم دیده می‌شود. ویتروویوس^۲، معمار و مهندس رومی، در یک قرن قبل از میلاد و بعد از او معماران دوره رنسانس^۳ درباره

1- Order

2- Vitruvius

3- Renaissance

نظم تعریفی روشن و جهانی به دست می‌دهند که امروز نیز مورد قبول است. ویتروویوس می‌گوید: «رعایت مقیاس، اندازه یا مقدار مناسب در یکایک اجزای یک اثر و توافق آنها نسبت به کل، موجب نظم است. نظم، سازگاری بر حسب مقدار و کمیت است» (توسلی، ۱۳۷۶: ۹۵).

ترتیب، تنظیم و ارتباط متناسب و متوازن اجزاء و عناصر کالبدی و فضائی و رعایت مقیاس و اندازه مناسب در یکایک اجزای شهر و توافق آنها نسبت به کل شهر، موجب ایجاد نظم در شهرهای سنتی بوده است. از بررسی تاریخی شهرهای سنتی چنین بر می‌آید که ساکنان آنها ضوابطی در زمینهٔ احداث بناهای عمومی و شخصی داشته‌اند. هیچ شهروندی حق آن را نداشته، چه در ارتفاع و چه در پهنای خانه‌ای که می‌خواسته بنا کند، از اندازه‌های توافق شده به منظور زیباسازی شهر فراتر رود و یا کاستی‌های چشمگیری اعمال نماید. رنگ، مصالح به کار رفته و علامت‌های مشخصه هر یک از بناها نیز نمی‌توانسته بی توجه به آنچه به عنوان سنت در شهر رایج بوده، تعیین شود (فلامکی، ۱۳۸۵: ۵۲). توجه به نظم عالم و انتظام امور عالم به وسیلهٔ خالق جهان هستی و طبیعت پیرامون انسان، و تأثیر پذیرفتن از آن در آثار معماران و شهرسازان گذشته ایران به خوبی آشکار است.

اصل نظم، یکی از اصولی است که در معماری و شهرسازی سنتی ایران مورد توجه قرار گرفته است و به بهترین وجه در تمامی بناها، از بناهای عظیم و بزرگ عمومی تا خانه‌های مسکونی و از فضاها عمومی شهری تا فضاها نیمه‌عمومی و خصوصی‌تر، به کار گرفته شده است. می‌توان گفت اصل نظم در شهرهای سنتی از کلان‌ترین فضاها شهری تا ریزترین فضاها معماری را تحت تأثیر قرار داده است. نظم، اصلی است پایه‌ای که در طول تاریخ به گونه‌ای نیرومند بر ساختار فضایی - کالبدی شهرهای ایران حاکم بوده، ولی در قرن حاضر به آشفتگی انجامیده است.

مفاهیم مؤثر در ایجاد نظم در شهرسازی سنتی ایران

در اینجا به بررسی مفاهیم و ویژگی‌هایی از شهرسازی سنتی ایران که در شکل دادن به اصل نظم در کالبد شهرهای گذشته مؤثر بوده‌اند، می‌پردازیم.

تقارن^۱: تقارن در بدنه‌ها و فضاهای شهری عبارت است از ترتیب و آرایش عناصر اجزای همانند در دو سوی یک محور. در ایران، تقارن در معماری و فضای شهری چون همواره قرین وحدت بوده وضع قوی‌تری پیدا کرده و همواره با عنصر پر قدرت مرکزی همراه بوده است (توسلی، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

تعادل^۲: «تعادل در بدنه فضای شهری به معنای برابری، همترازی یا همسنگی وزن‌های بصری در نما است. برای دستیابی به آرامش در نما تمام نیروهای بصری باید یکدیگر را خنثی کنند؛ یعنی نیروهایی که در یک جهت قرار می‌گیرند، با جمع نیروهای جهت دیگر به حال تعادل در آیند» (پیشین).

ریتم^۳: «در نمای معماری و فضای شهری، ریتم، تکرار قوی، منظم و پیوسته عناصر و اجزائی است که کل را پدید می‌آورند» (پیشین: ۱۲۲).



شکل (۱) خط افق شهر یزد

تکرار گنبدها و بادگیرها موجب ایجاد ریتم و در نهایت نظم شده است.

منبع: توسلی، ۱۳۷۲، ۲۵

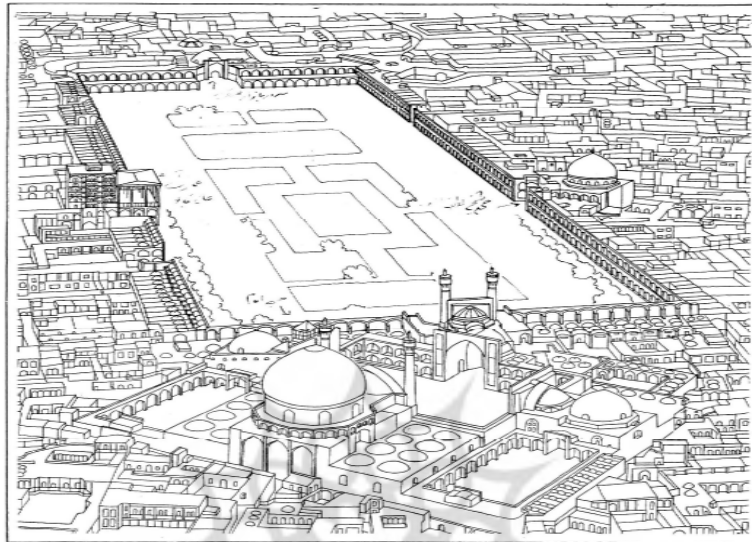
- 1- Symmetry
- 2- Balance
- 3- Rhythm

هماهنگی^۱: هماهنگی در طراحی فضای شهری عبارت است از ترتیب، تنظیم و ارتباط متناسب و متوافق اجزاء و عناصر کالبدی و فضائی. «اولین سطح از هماهنگی، ماهیت اثرگذار عناصر شکل شهر را در کل در نظر می‌گیرد؛ یعنی شیوه پیوستن جزء به کل که می‌تواند بنا یا منظره شهری و یا یک کل بزرگ‌تر باشد» (Smith، ۱۹۷۴: ۱۴).

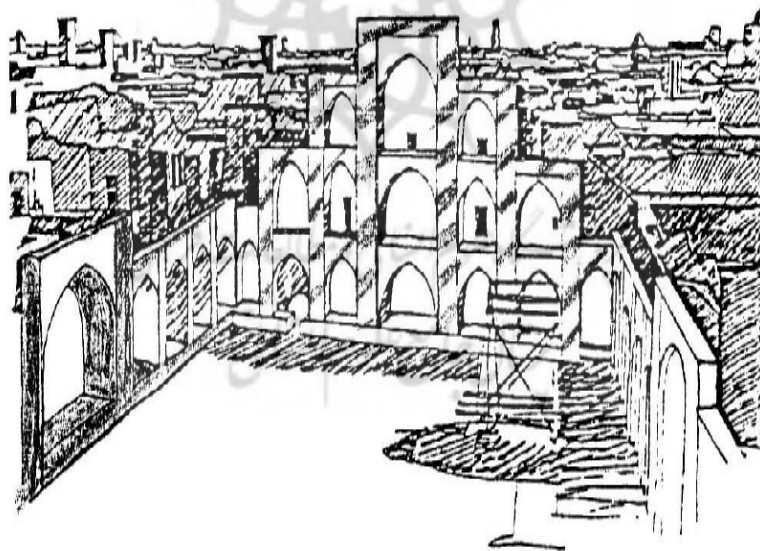
انسجام^۲: حالتی است که در آن اجزای تشکیل‌دهنده یک شیء به طور مناسب کنار هم قرار گرفته و یک کل واحد و یکپارچه را به وجود می‌آورند. انسجام را می‌توان فرایند سازمان‌دهنده نظم فضایی دانست که واحدهای فضایی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. انسجام یک شهر نمی‌تواند از کلیت شیوه ساختمانی که برای احداث ساختمان‌هایش به کار می‌رود جدا باشد. انسجام در شهر زمانی حاصل می‌شود که فضای شهری چنان طراحی شود تا کلیت را در تمامی سطوح حفظ کند، از بزرگ‌ترین سطح فضاهای عمومی و کل‌های واسطه‌ای در مقیاس ساختمان‌های جداگانه گرفته تا کوچک‌ترین کل‌ها در جزئیات بنا (الکساندر، ۱۳۷۳: ۵۵).

وحدت^۳ و ترکیب^۴: کلی مطلوب که در نتیجه اتحاد و توافق اجزاء فراهم شده باشد، ترکیبی برخوردار از نظم پدید می‌آورد و نشان‌دهنده وحدت و استحکام بصری است. در سیمای شهر، ترکیب متناسب و واجد نظم، بر پیوند و ترتیب اجزاء و عناصر و توجه به چگونگی ترکیب فضاها و بدنه محصورکننده آنها استوار است؛ به نحوی که بین بناهای مختلف که با هم ترکیب می‌شوند، چنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصورکننده علی‌رغم شکل‌گیری با بناهای متفاوت، صورتی پیوسته پیدا کند (توسلی، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

-
- 1- Harmony
 - 2- Coherence
 - 3- Unity
 - 4- Composition



شکل (۲) میدان نقش جهان اصفهان؛ منبع: توسلی، ۱۳۷۱: ۲۷



شکل (۳) میدان امیر چخماق یزد در گذشته، نمونه نمونه‌ای از هماهنگی، انسجام، وحدت و ترکیب تقارن و تعادل در بدنه فضای شهری؛ منبع: پیشین: ۱۹

تناسب^۱: در تناسب، ارتباط اندازه اجزاء نسبت به یکدیگر از سوئی و نسبت به کل از سوی دیگر مورد نظر است. در واقع سیستم و سلسله‌ای از نسبت‌ها که در ارتباط با هم تأثیر می‌گذارند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۲۵) اگر چیزی از اندازه مناسب خود خارج شود، انسجام آن از بین رفته و از هم گسیخته می‌شود (Bohm، ۱۹۸۰: ۱۷۵) مفهوم نسبت و تناسب در ارتباط میان ابعاد یک ترکیب نهفته است. در مورد فضای شهری نسبت بین ارتفاع ساختمان‌ها و عرض فضا، و در مورد میدان، ارتفاع بدنه میدان و عرض و طول میدان مورد نظر است. میدان ولی سلطان شهر کاشان نمونه‌ای از (توسلی، ۱۳۷۶: ۱۱۱).

مقیاس انسانی^۲: مقیاس^۳، مقایسه‌ای از اندازه‌ها و نسبت‌ها در نماها و فضاهای شهری با یکدیگر است و به همخوانی میان اجزاء شکل شهر کمک می‌کند. این مقایسه برای ناظر در مسیر خیابان و یا میان میدان حاصل می‌شود. در واقع، قد ناظر در فهم مقیاس، اساس واقع می‌شود. بدین ترتیب اگر اندازه فضا با پیکر انسان ارتباط مطلوب داشته باشد گفته می‌شود فضا مقیاس انسانی دارد و انسان به عنوان معیاری واقعی برای محیط ساخته شده قرار می‌گیرد (توسلی، ۱۳۷۱: ۵۱). مردم‌واری یا مقیاس انسانی یکی از اصول هنر معماری و شهرسازی ایران بوده که به خوبی در نمونه‌های آن نمود یافته است. «مردم‌واری به معنی رعایت تناسب میان اجزای ساختمان با اندام‌های انسان، و توجه به نیازهای او در کنار ساختمان سازی است». در شهر سنتی ایرانی، تناسبات بدن انسان به عنوان اشکال هندسی کامل در طراحی محسوب می‌شد (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲۶).

سلسله مراتب^۴: این اصل یکی از معیارهایی است که می‌تواند در تعریف نظم حاکم بر مجموعه‌ها و ارتباط بین اجزاء آنها، همچنین ارتباط هر یک از اجزاء با کل مجموعه نقشی بنیادین را ایفا نماید (نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۷۵). سلسله‌مراتب، یکی از اصولی است که ارتباط بین اجزاء یک کل و ارتباط بین کل‌هایی را که خود، جزئی از کل بزرگ‌ترند تعریف می‌کند؛ بدین ترتیب که هرگاه چند عنصر در کنار هم قرار گیرند نظمی در روابط بین آنها به وجود

-
- 1- Proportion
 - 2- Human scale
 - 3- Scale
 - 4- Hierarchy

می‌آید. سلسله مراتب در واقع نظمی فراگیر است که انتظار می‌رود عناصر، با ارزش‌های متفاوت تحت تأثیر آن قرار گیرند (گروتز، ۱۳۸۶: ۳۸۲).

در شهر سنتی ایرانی، شهر واجد سازمان مرکزی مشخص با اجزاء و عناصر متشکله آن بوده که در آن، محلات متمایز با سازماندهی منسجم و با مراتبی مشخص با یکدیگر انتظام یافته‌اند و نشانه‌های کالبدی این انتظام فضایی را به هر بیننده تازه واردی عرضه و معرفی می‌کنند. کاربرد اصل سلسله مراتب در شهر سنتی ایرانی، در حوزه‌های مختلف معماری همانند سلسله مراتب فضایی، و در شهرسازی همانند سلسله مراتب عملکردی عبوری محله‌ای و منطقه‌ای، سبب شکل‌گیری چنان ساختارهای کالبدی - فضایی گشته است که از مهم‌ترین ثمرات آن، شکل‌گیری حریم‌های فضائی و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی است (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۷).

تعریف بازار

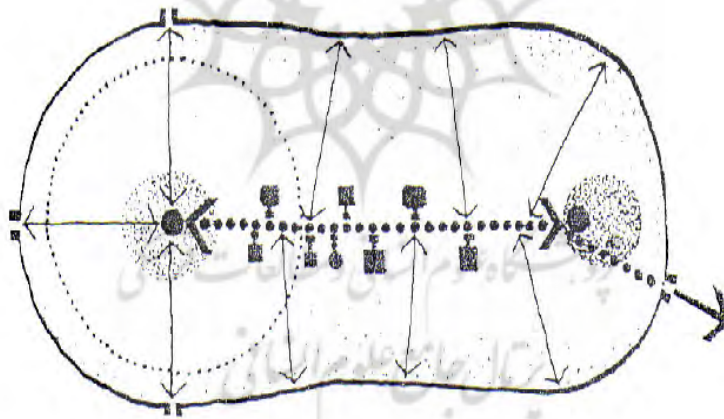
واژه بازار بسیار کهن بوده و به معنی محل خرید و فروش و عرضه کالا است. واژه بازار در فارسی میانه، به صورت وازار و با ترکیب‌هایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان)، وازارگانیه (بازرگانی)، وازارید (رئیس بازار) آمده است. پسوند «زار» در فارسی دری به معنای جایگاه و مکان (مانند گلزار، شن‌زار، بیشه‌زار و ...) که مجموعاً به معنای جایگاه داد و ستد است. این واژه ایرانی از راه بازرگانی به بسیاری از زبان‌های جهان با همان لفظ و تلفظ درآمده است (دهخدا، ۱۳۳۶: ۳۴۸).

جایگاه بازار در شهر سنتی ایرانی

سابقه وجود بازار به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر شهری در ایران، به دوران باستان باز می‌گردد. در دوره‌های بعدی در سده‌های چهارم و پنجم هجری، گسترش شهرها و افزایش ارتباطات اجتماعی و رونق اقتصادی سبب شکل‌گیری بازارهای مجهز و بزرگ در اغلب شهرهای ایران گردید (مشتاق، ۱۳۸۷: ۲۲۵). بازارها که از مهم‌ترین اجزای شهرهای سنتی بوده‌اند، نقش به‌سزایی در رشد و توسعه شهرها بر عهده داشته‌اند و در واقع، ستون فقرات

شهر را تشکیل می‌داده‌اند. هسته اولیه اغلب بازارها در نزدیکی پر رفت و آمدترین دروازه‌های شهر تشکیل می‌شد. این هسته ابتدا در ربض^۱ و به تدریج به شارستان^۲ کشیده می‌شد. گسترش بازار به داخل شهر از طریق مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شهری به دروازه‌ها نیز منتهی شده و بازار تا مرکز شهر امتداد می‌یافت (حبیبی، ۱۳۷۸: ۵۴).

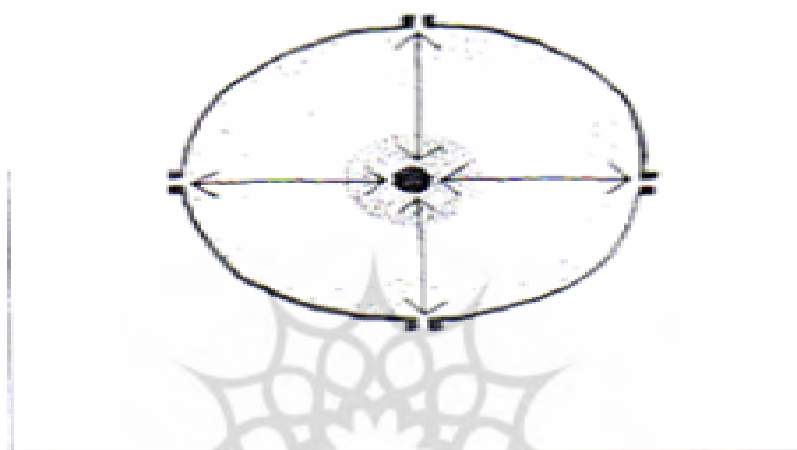
در جامعه سنتی، نشو و نمای شهرها زاده از طرح‌های تصویری بود که گرد شهرها دیوارها برقرار می‌داشت. این دیوارها شکل‌های مثبت شهرها را در فضا و همخوانی‌شان را با قوانین کیهانی معین می‌کرد. این شکل‌ها معنای گونه‌ای مرکز را به خود می‌گرفتند، اما مرکزی به مثابه تک نقطه‌ای میان فضا که به مرور زمان حرکت می‌کند و خط یا عنصر خطی بازار را به وجود می‌آورد. این همان انگاره‌ای است که در حد یک طرح تصویری حاکم می‌تواند دامنه‌ای نامتناهی گیرد، با کثرتی از عناصر هندسی که از او نشو و نما می‌گیرند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۸۹).



شکل (۴) مرکز به مثابه یک نقطه واحد در فضا در طول زمان حرکت می‌کند
(الف) و خط یا طرح خطی بازار

۱- بخش بیرونی شهر در دوران باستان

۲- بخش میانی شهر در دوران باستان



(ب) را به وجود می‌آورد. منبع: اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۹

از نظر سنتی، شالوده شهر ایرانی در چند عامل اصلی قابل تشخیص بوده است:

فضای مسکونی (محله)

فضای مذهبی (مسجد)

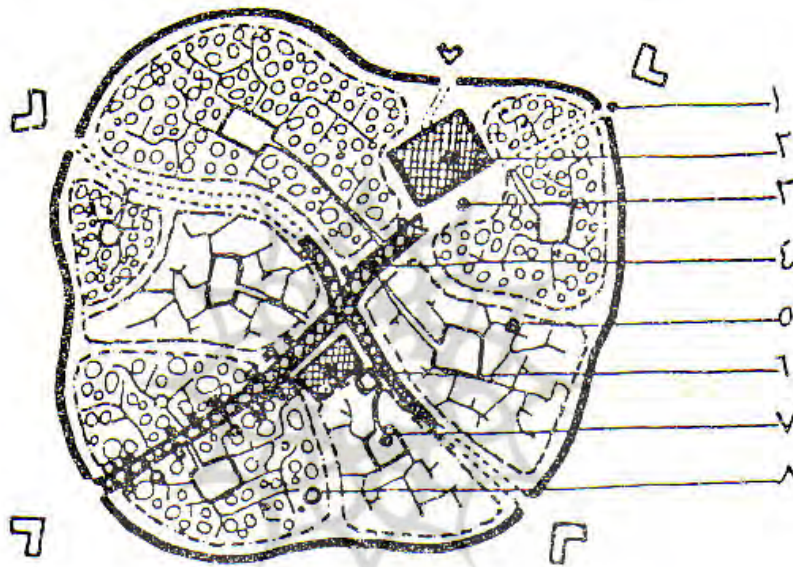
فضای اقتصادی (بازار و بازارچه)

فضای تأسیساتی (آب انبار، گرمابه)

فضاهای مربوط به شبکه راه‌ها

گروهی از محققان، با استناد به متون کهن تاریخی، شهر را متشکل از سه رکن اصلی ارک، مسجد جامع و بازار و عده‌ای عوامل مشخصه شهر در دوره اسلامی را مسجد، بازار و محله معرفی می‌کنند. برخی نیز عناصر مهم ساختی این شهرها را مسجد، بازار، ارک حکومتی، هسته‌های محله‌های مسکونی و دیوار و بارو و دروازه شهر در نظر می‌گیرند. در این شهرها این فضاها ضمن آنکه هر کدام جای، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله

مراتب فضاهای شهری حفظ کرده و به انجام نقش خود می‌پردازند، همه با هم مجموعه واحدی را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضایی یک واحد منسجم و پیوسته نشان می‌دهد (حبیبی، ۱۳۷۸: ۴۷).



نقشه (۱) عناصر و بخش‌های شهر در دوران پس از اسلام

منبع: مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۲۶۵

۱- دروازه و بارو، ۲- ارگ، ۳- میدان، ۴- بازار، ۵- محله‌های مسکونی، ۶- مسجد جامع، ۷- مرکز محله، ۸- واحدهای مسکونی

آنچه مسلم است بازار از بدو حیات اجتماعی شهر و با تقسیم کار و لزوم مبادلات، همراه و همپای شهرنشینی و از مظاهر تمدن شهری بوده است. در شهرهای اسلامی، بازار محور اصلی و مرکز فعالیت‌های اقتصادی شهر بود. بازارها در امتداد مهم‌ترین راه‌های اصلی شهر ساخته می‌شدند. در اغلب موارد، راسته بازار شاهراه اصلی شهر نیز بود و مهم‌ترین

دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل می‌کرد. در واقع بازار به تدریج همراه با توسعه شهر شکل گرفته و گسترش می‌یافت (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۲۷۳).

شبکه بازارها را می‌توان تجربه‌های معماری شهری و شهرسازی با ارزش محسوب کرد. از خصوصیات مهم و قابل توجه بازار، معماری آن است که این مکان را از سایر مکان‌های شهری جدا و متمایز می‌سازد. بازارها دارای معماری باشکوه و کم‌نظیری بوده و هستند. ساختمان بازار را از لحاظ معماری آن می‌توان بنائی نمایشی و پر شکوه دانست که رشد آن خطی و پیوسته است. در مطالعه معماری بازار، آنچه قاعدتاً فکر و ذهن هر انسان علاقمند و تحلیلگر را به خود مشغول می‌کند، از یک طرف تکرار و تداوم در فرم ساختمان بازارها و اشکال مشترکی است که در معماری آنها وجود دارد، مانند دالان‌های تو در تو، اشکال و فرم‌های دایره‌ای، طاق گنبدی شکل، نورگیرها و روزنه‌ها، و از طرف دیگر بازتولید دائمی و برقراری روابط اجتماعی داخل این مکان‌ها و درون فضاهای باز مانند حجره‌ها، چهارسوق‌ها، مساجد و مدارس.

بازار به عنوان عنصر سازمان‌دهنده معماری شهر در ایران، مرکزی است از تکثیر سازه طاق که در امتدادی طولی شکل گرفته است. خلاقیت معماران در استفاده از یک سازه واحد و ایجاد ارزش‌های فضائی بازار چون یکپارچگی، هماهنگی، تعادل، توازن، تحرک، خوانائی، نورپردازی، گسترش راسته، تعیین حریم‌ها و سلسله مراتب، نشان از قدرت و انعطاف‌پذیری سازه و توانمندی و خلاقیت معماران ایرانی در بکارگیری آن دارد. بازار، بنیادی اقتصادی، میراثی فرهنگی، نهادی اجتماعی و فضائی است که در معماری آن انعکاس شرایط جغرافیایی و مقتضیات اقلیمی ایران کاملاً رعایت شده است. معماری بازار شهرهای مختلف ایران بر حسب پیروی از شرایط سرزمینی، اقلیمی و جغرافیائی متنوع بوده است. ساختن بازار در شهرها از عناصر سنتی هنر معماری ایرانی در فن شهرسازی است که بسیاری از فعالیت‌های شهری را به طور مناسب و عملی در نقطه‌ای متمرکز می‌نماید. سیستم بازار یک رشته زندگی شهری را به طور مداوم در شهرهای ایران به جریان انداخته و هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌دهد (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۲۹۸).

بازار سنتی که شریان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر است، از کاربری‌ها و اجزاء خدماتی متعددی تشکیل شده است که عبارتند از معابر (شامل: سردرها، راسته‌های اصلی^۱ و فرعی^۲، دالان‌ها^۳، چهارسوها^۴ و جلوخان^۵، میدان^۶)، کاربری‌های تجاری و خدماتی (شامل دکان‌ها، کارگاه‌های تولیدی و تعمیری، قیصریه‌ها^۷، سراها^۸، تیمچه‌ها^۹ و کاروانسراها)، کاربری‌های مذهبی، آموزشی، فرهنگی (شامل مساجد و مدارس) و سایر فضاهای خدماتی از قبیل حمام‌ها و چایخانه‌ها (اسمعیلی و عمرانی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴). آنچه از شواهد موجود در شهرها به عنوان بازار سنتی باقی است، عمدتاً متعلق به پس از نیمه قرن ۱۳ میلادی است. با این حال مسلم است که صورت‌های کمال یافته بازارها در قرن سیزدهم نتیجه تحول و تکامل تدریجی و طولانی است که دامنه آن به چندین قرن قبل از این تاریخ می‌رسد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

نقش بازار در ایجاد نظم و سازماندهی فضاهای شهری

فضا در معماری و طرح‌ریزی جامعه سنتی، موقعیتی ازلی و مسلط برقرار می‌سازد. با نمایان شدن جنبه‌های کیفی فضا، کاربردهای کمی‌شان نیز به دست می‌آیند. بدین‌سان برداشت مثبت و زنده‌وار از فضا، بانی تمام آفرینندگی‌های معماری است. سلسله‌مراتبی از همبندی‌های فضایی، نظام با ترتیبی ارائه می‌دهد که ثبات و تغییر، هر دو را پذیرا است. این نظام فضایی

- ۱- راسته اصلی بازار به صورت خطی، به عنوان یک مسیر اصلی در شهرهای سنتی ایران ایقای نقش می‌نمود و شامل مغازه‌ها در دو طرف آن است.
- ۲- راسته فرعی یا رسته حاصل توسعه بازار در معابر فرعی که به صورت موازی یا عمود بر راسته اصلی پدید می‌آیند.
- ۳- فضای ارتباطی که غالباً به صورت کوچه یا راسته کوچک یا فرعی است که از یک سو به راسته دیگر و از سوی دیگر به کاروانسرا مربوط است.
- ۴- فضائی طراحی شده به صورت چهارسو در محل تقاطع دو راسته اصلی بازار.
- ۵- فضائی ارتباطی به شکل یک میدانچه و به عنوان یک فضای ورودی، مکث و تجمع مورد استفاده قرار می‌گرفت.
- ۶- در کنار یا امتداد برخی از بازارهای مهم شهری قرار داشت مانند میدان نقش جهان اصفهان یا میدان حسن پادشاه تبریز.
- ۷- به معنی سرای طولانی و محل کار صنعتگران ظریف کار مانند زرگران و بزازان بوده و بیش از سایر سراها به چشم می‌خورد.
- ۸- همان تجارت خانه بوده و نمونه کالا از آنجا تحویل گرفته شده و در مکان‌های مختلف توزیع می‌شده است.
- ۹- سراهای کوچک سرپوشیده و به معنی گرد و جمع و جور می‌باشد.

به راسته اصلی مسیر بازار ربط دارد که از نظر سنتی از یکی از دروازه های اصلی شهر آغاز می شود و پس از عبور از میان شهر تا به دروازه متقابل کشیده می شود (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۳۸).

نظام های فضایی ثانویه (فرعی)، از قبیل کوچه های رو به محله های مسکونی، از مسیر اصلی بازار منشعب می شوند. فضاهای وابسته، از قبیل دکان های راسته بازار و حجره های پیرامون حیاط مدارس، کاروانسراها، یا حتی مساکن، وجودشان را مدیون اتکاء به فضاهای اولیه، ثانویه و هسته ای اند. حاصل کار، معماری است جدائی ناپذیر از بافت منظر شهر. نظام تداوم فضائی مثبت، سلسله مراتبی از نظام های حرکتی، ارتباطات و روابط فضائی را به وجود می آورد که رشد و تغییر در یک طرح فرا آگاهانه نظم را به وجود می آورد. از این رو هم آوایی فضایی که این هنر را در سنت بافت های ایرانی متجلی می سازد، سیستم حرکتی بازار است که جریانی مداوم از هارمونی تجارب فضایی، ضمن جهت گیری به طرف مرکز را بنیان می نهد، پیوندی که از تداوم فرم های هندسی حاصل می گردد. این در صورتی است که سازماندهی عملکردی آن نیز طبق یک سلسله مراتب منطقی مرتب می شود، سلسله مراتبی از فعالیت های هدایت شده به طرف مرکز که بر این نکته تأکید دارد که در سنت ایرانی، نه تنها ساختار کالبدی از مرکز کالبدی آن متبلور می شود، بلکه این ساختار نفساً، تمامی توجهات را نیز به مرکز معطوف می دارد، و بدین ترتیب سازماندهی روابط سلسله مراتبی فرم و عملکرد، هر دو به سوی مرکز است (برق جلوه، ۱۳۸۰). این یکپارچگی که نمایشگر نظام های حرکتی همزمان است، در معماری و در محیط شهری به تجسم می آید؛ نظیر بازار، که جریانی مداوم از حادثات هماهنگ فضایی بر پایه عدد و هندسه پدید می آورد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۱).

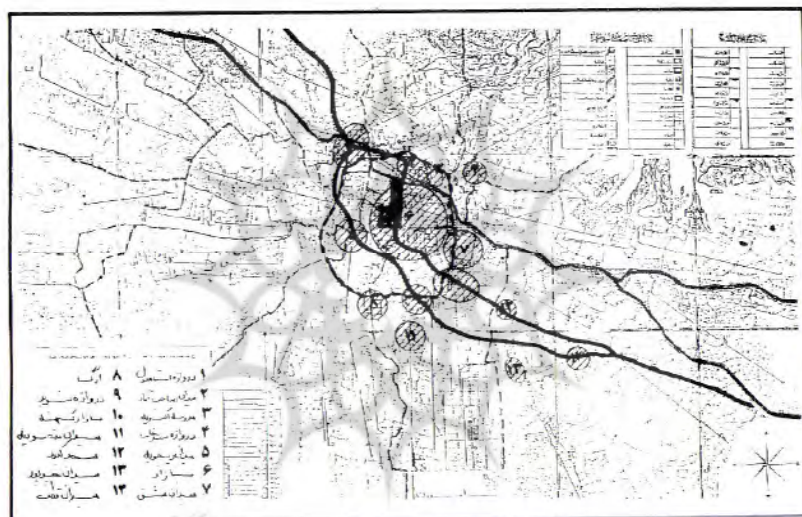


شکل (۵) راسته بازار تبریز، نمونه‌ای از تقارن، تعادل، توازن، ریتم و تناسب در فضای شهری
منبع: سلطانزاده، ۱۳۷۶: ۳۵۸

بازار تبریز

بازار شهر تبریز به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر شهری، همواره به عنوان هسته اصلی و مرکزی شهر قرار داشته و بافت شهر نسبت به این هسته مرکزی به صورت شعاعی شکل گرفته است. توسعه شهر تبریز از طریق ایجاد بازارچه‌هایی در امتداد دروازه های هشتگانه قدیمی صورت گرفته است (عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). با پوشش فواصل بازارچه‌ها توسط واحدهای مسکونی، سیمای شهر فعلی در قرن گذشته شکل گرفته و اکنون نیز این سیما را می‌توان در محلات قدیمی شهر کاملاً مشاهده نمود، اگر چه خیابان‌کشی‌های جدید، بافت قدیمی و سنتی را از بین برده است. با این حال در میان کوچه‌های قدیمی می‌توان به وضوح معماری قدیمی شهر را که از آنها آثاری هر چند غیرمعمور بر جا مانده است، مشاهده نمود (ترکان، ۱۳۸۱: ۱۶). بازار تبریز بخش اصلی مرکز شهر و بافت بزرگی از

منطقه تاریخی-فرهنگی شهر را فرا گرفته است که با وسعتی معادل یک کیلومتر مربع، خود یک محله بسیار عظیم و قابل توجه است. محله بازار تبریز، خود، صورت یک شهر کوچک در داخل شهر بزرگ را دارد و شامل محله‌های کوچک‌تر، بازارچه‌ها و میدان‌های چندی است. بازار تبریز نیز به مانند اکثر بازارهای بزرگ ایران دارای ساختار خطی یا طولی بوده و سراها و دالان‌ها و تیمچه‌ها در دو سوی آن قرار دارند (خاماچی، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

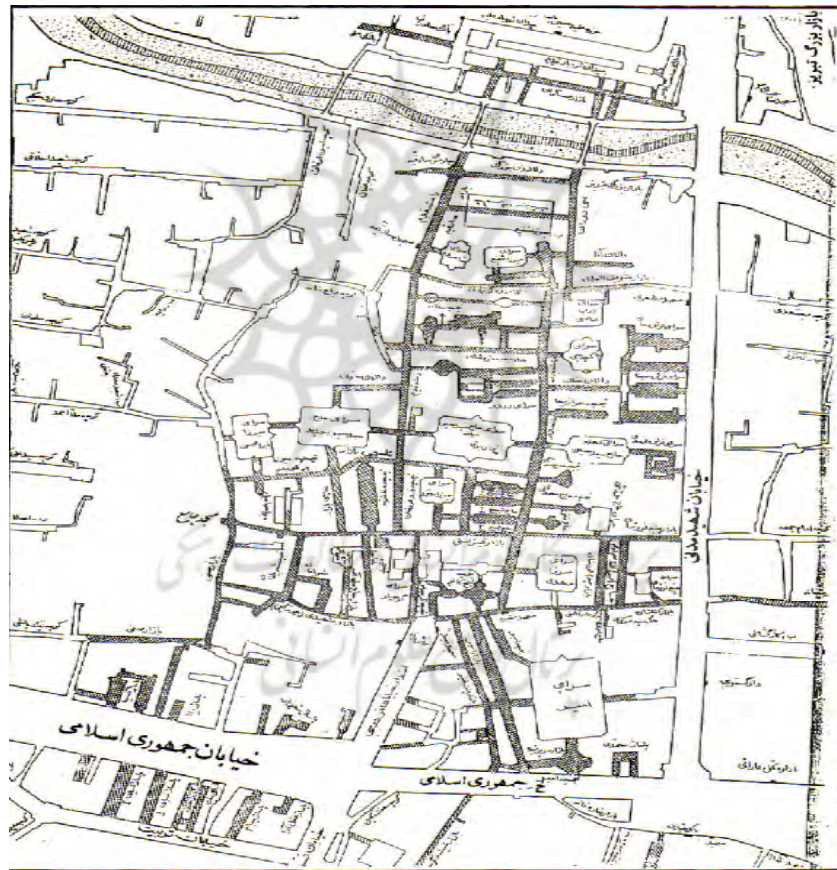


نقشه (۲) استخوان‌بندی کلی بافت قدیم تبریز و محل استقرار بازار

منبع: مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۷۲

بازار تبریز بزرگ‌ترین بازار به هم پیوسته و مسقف دنیا و یکی از زیباترین مجموعه بازارهای جهان می‌باشد. قدمت بنای اولیه بازار مشخص نیست، اگرچه به طور حتم بازار تبریز از دوره قبل از اسلام وجود داشته، ولی به اعتبار نوشته‌های مورخان و سیاحان، بازار تبریز پس از اسلام هویت خاصی پیدا کرده است. مجموعه کنونی بازار مربوط به اواخر دوره زندیه یعنی بعد از زلزله ۱۱۹۳ ه.ق می‌باشد. معماری زیبا، کثرت تیمچه‌ها، سراها، راسته‌ها و تنوع مشاغل، و وجود مدرسه و مسجد، اهمیت و ویژگی‌های خاصی به این بازار بخشیده است.

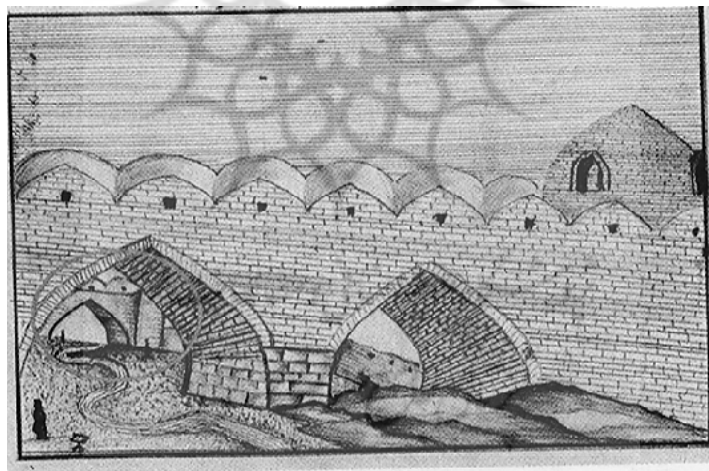
بازار تبریز یکی از شاهکارهای جالب معماری ایرانی است. این اثر تاریخی به عنوان شاخص ترین اثر شهر تبریز و نامزد ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو می‌باشد. بازار تبریز از بازارچه‌ها و سراهای مختلفی تشکیل شده و دارای ۲۰ راسته، ۳۵ سرا، ۲۵ تیمچه، ۱۱ دالان، و در حدود ۵۵۰۰ مغازه و حجره و فروشگاه، و ۴۰ صنف و شغل می‌باشد (اسمعیلی و عمرانی، ۱۳۸۷: ۴۵).



نقشه (۳) بازار تبریز؛ منبع: نیکنام و ذوقی، ۱۳۷۴: ۲۱۱

پل- بازارهای تبریز

شهر تبریز به سبب قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم^۱ و راه‌های ارتباطی مهم شرقی-غربی و شمالی-جنوبی کشور، همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. قرار گرفتن شهر در محل چهارراه اقتصادی جهان در دوران‌های طولانی، رونق و توسعه دائم بازار را سبب شده است. مطالعه تاریخ توسعه شهر نشان می‌دهد که مهران‌رود^۲ حد شمالی شهر بوده است. با توسعه بازار و افزایش نیاز به فضاهای بیشتر، به مرور زمان، بازار به ساحل دیگر مهران‌رود گسترش یافت و سوی دیگر رودخانه نیز جزو بازار گشت. از آنجائی که بازار به سان مجموعه‌ای در هم تنیده و یکپارچه عمل می‌کرده، برای اتصال دو قسمت بازار واقع در دو سوی رودخانه، پل-بازارهایی احداث گردید. وجود پل- بازارها در شهر تبریز نشان از رعایت اصل پیوستگی در فضاهای شهری و نقش بازار به عنوان ساختار اساسی فضای شهری در شهرهای سنتی، در ایجاد و حفظ این پیوستگی دارد. لازم به ذکر است که بر اساس مستندات موجود، پل-بازارهای تبریز به عنوان تنها پل-بازارهای تاریخ ایران شناخته شده‌اند (تهرانی، ۱۳۸۷).



شکل (۶) بازار بر روی پل تبریز، بر اساس نقشه سیل تبریز در سال ۱۳۸۸ ق.
منبع: تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۰۵

۱- مهم‌ترین شاهراه بازرگانی دنیای قدیم بوده که از دیوار چین (مرز ابریشم) آغاز شده، از روی فلات ایران عبور کرده و پس از عبور از بین‌النهرین به بندر انتاکیه در کنار دریای مدیترانه می‌پیوست.
۲- رودخانه‌ای که از درون شهر تبریز عبور می‌کرد.



شکل (۷) بازسازی پل- بازار تبریز در دوره معاصر
منبع: برداشت میدانی



شکل (۸) فضای داخلی پل- بازار
منبع: برداشت میدانی

تحلیلی از ارزش‌های شکلی و کیفی سراهای بازار تبریز

برای درک کیفیت‌های شکلی در سیمای فضای شهری ایرانی لازم است در محل حضور

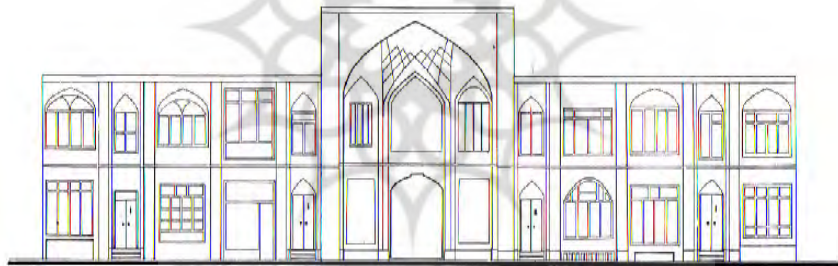
یافته و فضا را تجربه کرد. تهیه تصاویر، طرح‌ها و متون به دنبال مشاهده و تجربه شخصی به کمک می‌آیند. با نگاهی جستجوگر به فضای شهری ایرانی، می‌توان به ویژگی‌ها و ارزش‌های شکلی مسلمی رسید که تحت تسلط فرهنگ، سنت، زمان و مکان قرار دارد و به جلوه کالبدی، آراسته گردیده است. عناصر فضاهای سنتی شهر ایرانی، یک تکرارپذیری ابدی را به نمایش می‌گذارند. در شهر سنتی، فضا بافت پیوسته‌ای از انواع گوناگون مکان‌ها را به جلوه می‌آورد که خود، سلسله‌مراتبی را تشکیل می‌دهند که در کل، سیمائی از نوعی نظم مشترک را به نمایش می‌گذارد. گوهر ساختار شهر و اجزاء آن مبتنی بر وحدت شکلی بوده، به گونه‌ای که میان عناصر مجموعه، مسجد، مدرسه، بازار، بازارچه، تیمچه، خانه و خانقاه، پیوستگی و ارتباط فضائی وجود داشته است.

از مهم‌ترین بخش‌های بازار تبریز می‌توان به بازار و سرای امیر اشاره کرد، که در تاریخ تبریز از نظر ارزش و اهمیت و میزان تجارت و بازرگانی و از دیدگاه هنر معماری دارای جایگاه و موقعیت ویژه‌ای در میان مجموعه بازارهای تبریز می‌باشد. سرا دارای حیاط بزرگی است که دورادور آن حجره‌هایی قرار گرفته و در میان آن، حوض سنگی وجود دارد. به هنگام ورود به سرا، سلسله‌مراتبی از مکان‌ها را می‌توان اشاره کرد.



شکل (۹) حیاط سرای امیر
منبع: برداشت میدانی

از کیفیات سازمان فضائی این سرا می‌توان به احساس تعادل در اثر توزیع متناسب عناصر اشاره کرد که قرینه و متعادل است. گنبد خانه مرکزی با توفیق و با حضور خود، بدنه را تحت تأثیر قرار داده است، و تکرار و ریتم در کیفیت سکانس‌های حرکتی، همگی باعث ایجاد نظم و هماهنگی در این فضاها شده است. تقارن و تناسب و ایجاد سیستم و سلسله‌ای از نسبت‌های تأثیرگذار بر هم (از کل به جزء و بر عکس) و قابلیت پیش‌بینی نوعی نظم که به آسانی قابل فهم است، از ویژگی‌های این بخش از بازار است. بدنه ورودی این بازار، متقارن با مرکز و در نتیجه دارای وحدت و تناسب است و ترکیب عناصر افقی و عمودی در آن به وحدت شکلی منجر شده است (شکل ۱۰). در این تصویر، نمائی یکسان در دو طرف محوری در وسط دیده می‌شود. وحدت این نما با آرایش روزنه‌ها در محور، تقویت شده و محور نما هم قوی‌تر جلوه‌گر شده است.



شکل (۱۰) نمای ورودی شمالی حیاط بازار امیر

(وحدت، انسجام، تقارن، تعادل، هماهنگی، ریتم، تناسبات، مقیاس انسانی، ترکیب و در نهایت، نظم از ملاحظات هنری است که در طراحی این بنا به چشم می‌آید)

منبع: سلطانزاده، ۱۳۷۶: ۳۵۷

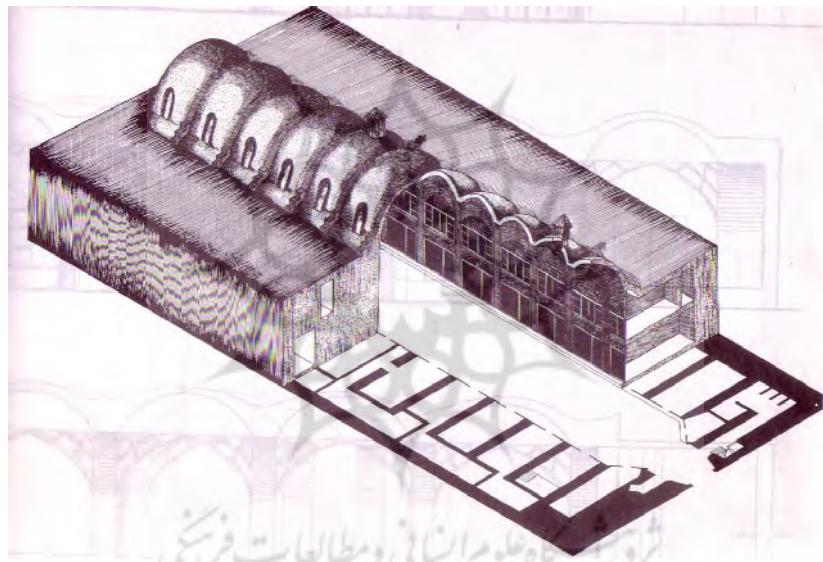
با مطالعه بازار تبریز و بخش‌های مختلف آن مشاهده می‌شود که فضاهای بازار به هم مربوطند و به صورت اشکال هندسی مشخصی تکرار می‌شوند (اصل ریتم). فضاهایی که اکثراً به صورت قرینه‌اند (اصل تقارن)، گرداگرد شکل دایره‌ای یا در دو طرف راهروهای خطی، معماری خاصی را به وجود آورده‌اند که هر کدام در عین مرتبط بودن با فضاهای

اصلی یا فرعی دیگر، یکنواختی و هماهنگی کلی را حفظ می‌کنند. نظم موجود با توجه به نقش تکاملی هر صنف با اصناف دیگر، احتیاج مشتری‌های بازار و بافت شهری اطراف آن در طول زمان پایه گرفته و با گذشت زمان، میان بخش‌های آن هماهنگی معقولی برقرار شده، و اینکه از هر فضایی به راسته اصلی می‌رسیم، خود نشان‌دهنده این واقعیت است که فضاها بر حسب اتفاق به دنبال یا گرد هم ساخته نشده‌اند، بلکه از ترتیبی آگاهانه برخوردارند. المان‌های بصری دیگری نظیر سردرهای ورودی نیز از ویژگی‌های خاص بازار تبریز است. هر یک از بازارها و بازارچه‌های تبریز دارای شکل خاصی از نماهای ورودی هستند که در عین تنوع از اصول و ویژگی‌های شهرسازی سنتی پیروی می‌کنند.



شکل (۱۱) ورودی الکچی بازار
(تقارن و تعادل در این سردر ورودی قابل مشاهده است)

مسیرهای اصلی و فرعی بازار اغلب سر پوشیده‌اند و با معماری خاص طاق و گنبد ساخته شده‌اند. این مسیرهای سر پوشیده تداوم تجربیات ارزشمند انطباق با محیط و انطباق با عملکردهای گوناگون بازار را به وجود آورده‌اند. در این طراحی تلاش بی‌نظیری برای ایجاد یکپارچگی و وحدت در فضاهای گوناگون بازار صورت گرفته است. نحوه اتصال فضاهای بزرگ و کوچک مانند راسته‌ها، سراها و تیمچه‌ها با همدیگر و با محور اصلی بازار، یک مجموعه پیوسته، یکپارچه و منسجمی را پدید آورده که در نوع خود بی‌نظیر است.



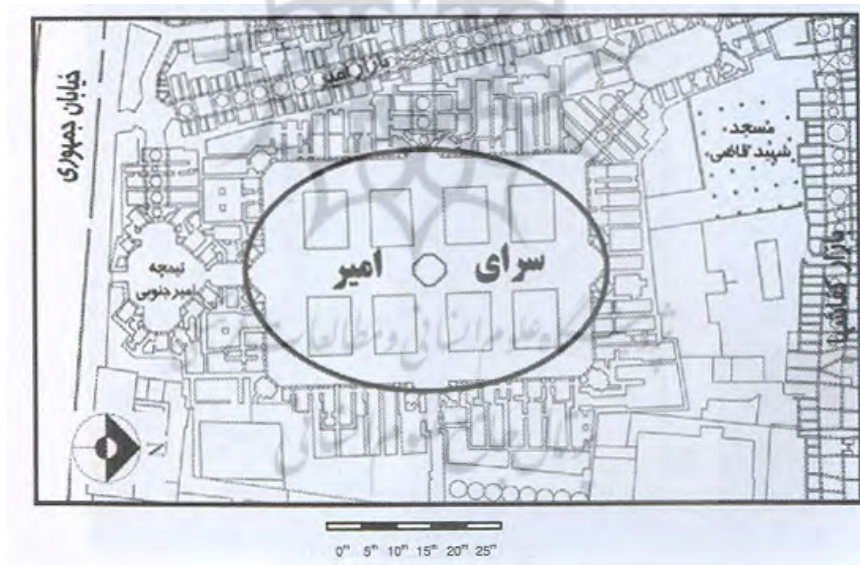
شکل (۱۲) تیمچه مظفریه

منبع: اسمعیلی و عمرانی، سلطانزاده، ۱۳۷۶: ۳۲۶

ترکیب عناصر بازار بر پیوند و ترتیب اجزاء آن، که به گونه‌ای منسجم با هم پیوند یافته‌اند، استوار است. این پیوند اجزاء به گونه‌ای منسجم، تأثیر بصری روشنی در پی دارد. روشی که منجر به ایجاد نظم بصری و وحدت شده است، با استفاده از نسبت و تناسب و یا دادن اهمیت و وزن لازم به عناصر ترکیبی فراهم گشته است. بحث نسبت در بدنه ساختمانی که دارای ارزش معماری است، پیچیده‌تر است. اینجا مقصود، ارتباط و اندازه اجزاء نسبت به

یکدیگر از سوئی و نسبت به تمام بدنه به مثابه یک کل، از سوی دیگر مورد نظر است. در واقع در اینجا سیستم و سلسله‌ای از نسبت‌ها در ارتباط با هم تأثیرگذار است.

در رابطه با بدنه‌ها، نسبت و تناسب اجزاء و جایگاه آنها نسبت به هم در یک ترکیب، به فهم عملی نظم و وحدت کمک می‌کند. نسبت اجزاء بدنه بر اساس نحوه قرار گرفتن اجزاء در زمینه و آرایش و نظم و ترتیب و نسبت و تناسب روزنه‌ها، از مهم‌ترین عوامل موجد نظم، وحدت شکلی و استحکام بصری در نمای بدنه است. این خصوصیت در رابطه با بازار تبریز، نه تنها در یک نما بلکه در مجاورت با نماهای دیگر نیز رعایت شده است. پنجره‌ها و روزنه‌ها به صورتی در بدنه نما ترکیب یافته‌اند که چشم به آسانی از یک عنصر به عنصر دیگر حرکت می‌کند، و این خود باعث ایجاد آرامش بصری در نما شده است. این ویژگی در تمام سراهای بازار تبریز و به بهترین وجه در حیاط سرای امیر قابل مشاهده است.



نقشه (۴) سرای امیر



شکل (۱۳) بدنه حیاط سرای امیر

منبع: برداشت میدانی

ترکیب همه اجزای بدنه به هماهنگی کم‌نظیری منجر شده که در عین سادگی، نشانگر درک قواعد شکل‌دهنده در روند طراحی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن است. کل بازار ترکیبی است با نظمی متقارن، با مقیاس و تناسب و دارای هماهنگی، وحدت و انسجام. در مورد کل شهر نیز نحوه قرار گرفتن بازار در مسیر گذرهای اصلی به بهترین صورت، وجود نظم فضائی را در کل شهر نشان می‌دهد، اما این نظم در خیابان‌کشی‌های قرن حاضر و در نتیجه ساخت و سازهای جدید از هم گسسته است.



نقشه (۵) محدوده بازار تبریز منبع: اسمعیلی و عمرانی، ۱۳۸۷: ۵۹



نقشه (۶) محدوده بازار تبریز

خیابان‌کشی‌های بعد از سال ۱۳۰۵ باعث گسستگی بافت شهر و بازار گردید، منبع: پیشین: ۵۸

در یک جمع‌بندی کلی، ارزش‌های کالبدی مثبت بخش‌های مختلف بازار تبریز را که سبب ایجاد نظم در این فضای شهری شده است، را می‌توان در موارد زیر طبقه‌بندی نمود:

- وجود سلسله مراتب فضائی
- رعایت عرصه‌ها
- ارتباط و ترکیب متناسب اجزاء
- رابطه جزء و کل
- نحوه قرار گرفتن اجزاء در زمینه
- آرایش و نظم و ترتیب و نسبت و تناسب روزنه‌ها
- کیفیات فضائی نظیر ترکیب، ریتم، تقارن، توازن، تعادل
- تقارن توأم با وحدت بصری
- رعایت مقیاس انسانی و محوریت انسان در طراحی فضا
- ادراک فضائی و ایجاد تصویری روشن در ذهن بیننده
- برقراری ارتباط و پیوند میان فضاهای شهری
- ایجاد تداوم و پیوستگی در فضاهای شهری
- ترکیب متوازن معماری و شهرسازی

نتیجه

بسیاری از اصول طراحی شهری در طول تاریخ ماندگار بوده‌اند. الگوها و نمونه‌های موفق محیط‌های شهری گذشته ایران، اصولی را مطرح کرده که شالوده شهرهای ارزشمند سنتی بوده‌اند، که با توجه به ریشه آنها در فرهنگ و تاریخ، مطالعه و بررسی آنها می‌تواند راهکارهای ارزشمندی را فرا روی طراحان و برنامه‌ریزان قرار دهد.

معماری و شهرسازی گذشته ایران در برگزیده اصولی است که در دل سنت‌ها نمود یافته است. نظم، یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی و پدیده‌های آن است که تأثیرات آن

در ساختار کالبدی - فضایی شهرهای سنتی ایران غیر قابل کتمان است. اصل نظم و اصول مرتبط با آن، که زمینه‌ساز ایجاد فضاهای مطلوب در ساختار شهرهای سنتی بوده اند، امروزه به دست فراموشی سپرده شده‌اند. شاید بتوان گفت یکی از دلایل سر درگمی و بی‌هویتی شهرسازی امروز ایران، گسست از گذشته و نادیده گرفتن اصول و مفاهیم ارائه شده بر پایه تفکرات، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی است. البته ذکر این نکته ضروری است که اشاره به وجود الگوهای مناسب در گذشته و بررسی و معرفی آنها بدین معنی نیست که طراحی و احداث فضاهای شهری برای شهرهای امروز کاملاً مطابق با الگوهای سنتی باشد. شناخت فضاهای شهری تاریخی می‌تواند زمینه مناسبی برای درک الگوهای سنتی پدید آورد تا با زندگی دوباره بخشیدن به الگوهای کهن، آنها را با شرایط جدید مطابقت داد.

بازشناسی اصول و معیارهای شهرهای سنتی و کالبد دادن به آنان به زبان حال می‌تواند بر توانمندی‌های برنامه‌ریزی شهری کشور افزوده و پایه‌های محکم و پایداری را در توسعه شهری ماندگار نماید.

در این میان تحلیل و ارزیابی ارزش‌های شکلی بازار به عنوان فضای شهری واجد نظم و کیفیات بصری می‌تواند گامی در جهت شناخت اصل نظم و به کارگیری آن در شهرهای معاصر باشد. بازار تبریز به عنوان نمونه‌ای از فضاهای شهری سنتی ایران، واجد این خصوصیات بوده و مطالعه آن می‌تواند در حفظ مفاهیم با ارزش گذشته، درک معنی و محتوای این مفاهیم و تسری دادن آنها به آینده مؤثر باشد.

منابع

- ۱- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)، «حس وحدت»، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.
- ۲- اسمعیلی سنگری، حسین و بهروز عمرانی (۱۳۸۷)، «تاریخ و معماری بازار تبریز»، تبریز، انتشارات ستوده.
- ۳- الکساندر، کریستوفر (۱۳۷۳)، «نظری جدید طراحی شهری»، ترجمه محمد تقی زاده، تهران، نشر توسعه.
- ۴- برق جلوه، شهیندخت (۱۳۸۰)، «ساختارهای کالبدی مراکز کالبدی ایران»، فصلنامه صفا، شماره ۳۳، سال یازدهم، صص ۴۲-۴۳.
- ۵- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹)، «هنر مقدس»، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر سروش دانش.
- ۶- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، «مبانی نظری و فرایند طراحی شهری»، معاونت شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۷- پیرنیا، کریم (۱۳۸۶)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، چاپ دوازدهم، تهران، نشر سروش دانش.
- ۸- پیرنیا، کریم (۱۳۸۷)، «شناسی با معماری اسلامی ایران»، چاپ پنجم، تهران، نشر سروش دانش.
- ۹- ترکان، قاسم (۱۳۸۱)، «شناسی با تبریز»، چاپ سوم، انتشارات شهرداری تبریز.
- ۱۰- توسلی، محمود (۱۳۷۱)، «اصول و روش‌های طراحی فضاهای شهری و بناهای مسکونی در ایران»، چاپ چهارم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۱- توسلی، محمود (۱۳۷۲)، «طراحی فضای شهری ۲»، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

- ۱۲- توسلی، محمود (۱۳۷۶)، «قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری»، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۳- تهرانی، فرهاد، نیلوفر نواری و سائنا خلیلزاده (۱۳۸۷)، «پل - بازارهای تبریز»، فصلنامه صفا، شماره ۴۶، سال هفدهم، صص ۱۰۵-۱۰۷.
- ۱۴- حبیبی، محسن (۱۳۷۸)، «ز نثار تا شهر»، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- خاماچی، بهروز (۱۳۸۴)، «محلات و مشاهیر فرهنگی تاریخی منطقه هشت شهرداری تبریز»، تبریز، انتشارات ستوده.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶)، «تخت نامه»، جلد ۹، تهران، چاپ سیروس.
- ۱۷- سلطانزاده، حسین (۱۳۷۶)، «تبریز خشتی استوار در معماری ایران»، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۸- عرصه، مهندسین مشاور معماری و شهرسازی (۱۳۷۲)، «طرح توسعه و عمران تبریز».
- ۱۹- عمرانی، بهروز و حسین اسمعیلی سنگری (۱۳۸۵)، «بافت تاریخی شهر تبریز»، تهران، نشر سمیرا.
- ۲۰- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۵)، «فارابی و سیر شهروندی در ایران»، چاپ دوم، نشر فضا.
- ۲۱- گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۶)، «زیبائی‌شناسی در معماری»، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، چاپ سوم، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۲- گلیجانی، نسرین (۱۳۸۴)، «تاریخ‌شناسی معماری ایران»، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- مشتاق، خلیل (۱۳۸۷)، «تاریخ معماری ایران در دوره باستان و دوره اسلامی»، نشر کارآفرینان.

- ۲۴- مشهدیزاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۴)، «*تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران*»، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۲۵- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، «*سیری در مبانی نظری معماری*»، چاپ دوم، نشر سروش دانش.
- ۲۶- میرمیران، سیدهادی (۱۳۷۵)، «از معماری گذشته چه درسی می‌توان گرفت»، *فصلنامه آبادی*، سال هفتم، شماره ۲۳، ص ۳۰.
- ۲۷- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۸)، «*حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی*»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۲۸- نیکنام لاله، ایوب و فریبرز ذوقی (۱۳۷۴)، «*تبریز در گذر تاریخ*»، انتشارات یاران.
- 29- Alberti, L.B., (1991), "*On the Art of Building in Ten Book*", Trans. Joseph Rykwert and Neal Leach, Cambridge, MIT Press.
- 30- Bohm, D., (1980), "*Wholeness and the Implicate Order*", London: Routledge.
- 31- Smith, P.F., (1974), "*Dynamics of Urbanism*", London: Hutchinson Education.